

آیا رادیو فردا دوستی میان مردم آمریکا و ایران را توسعه میدهد؟

جمهوری اسلامی در راه پیشبرد هدف های اسلامی سیاسی خود هر روز بیشتر به درگیری نهایی خود با آمریکا نزدیکتر میشود. چون تمام برنامه های سیاسی جمهوری اسلامی در تضاد با سیاست های آمریکا در خاورمیانه و دنیا است؛ چون جمهوری اسلامی اراده کرده است به ابر قدرت خاورمیانه تبدیل شود و در دنیا با جوهر فلسفه آمریکا که آزادی، دموکراسی، همزیستی آزادی مذاهب، اقتصاد آزاد، تجارت آزاد و نگهداری از صلح جهانی بشکل موجود مخالف است؛ و چون دنیایی بر پایه تقسیمات مذهبی میخواهد که در آن حاکمیت جهانی با مسلمانان و بر پایه تعقل اسلامی باشد، بنابراین اختلاف جمهوری اسلامی با آمریکا و اروپا که تعقل فلسفی آنها بر دنیای امروز حاکم است اختلافی است بنیادی مانند اختلاف آلمان فاشیست با دموکراسی در اروپا و اختلاف کمونیست های شوروی و چین با دموکراسی و آزادی به نمایندگی مدافعان آن آمریکا و اروپا. همانطور که اختلاف دنیای آزاد با فاشیسم و کمونیسم بدون جنگ و موازنه مصلحانه به پایان نرسید، در رو در رویی با جمهوری اسلامی بخاطر روحیه متجاوز جمهوری اسلامی احتمالا" با جنگ به پایان خواهد رسید تا موازنه مصلحانه. جمهوری اسلامی از جنگی که با غرب به رهبری آمریکا در پیش دارد بخوبی آگاه است، اما علاقمند است برای این جنگ خود را تا میتواند آماده کند، آن را منطقه ای کند (در عراق، لبنان و فلسطین) و امنیت ایران، مرکز عملیات اسلامی نظامی خود را با اتمی شدن فراهم کند که برای این منظور احتیاج به زمان دارد.

آمریکا برای پرهیز از یک جنگ بزرگ که بدون تردید میتوان آن را جنگ جهانی سوم نامید، و چنانچه جمهوری اسلامی به بمب اتمی دست رسی پیدا کند جنگ اتمی خواهد بود و بی تردید امکان بکار بردن بمب اتمی از طرف جمهوری اسلامی بیشتر از دیگران خواهد بود، برای کمک به مخالفان جمهوری اسلامی زیر عنوان برپایی دموکراسی در ایران هفتاد میلیون دلار اختصاص داده است تا دست حزب اله جمهوری اسلامی را از منابع نیروی انسانی و مالی ایران که ستاد عملیات اسلامی نظامی آنهاست کوتاه کند و خاورمیانه و دنیا را از فاجعه نیرومندی اتمی شدن جمهوری اسلامی نجات دهد. آمریکا اعلان کرده است این پول را در اختیار مخالفان رژیم جمهوری اسلامی میگذارد تا موثرتر با جمهوری اسلامی مبارزه کنند و آماده شوند تا دولت دمکرات را در ایران بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی توسط نیروی نظامی آمریکا بر پاک کنند.

در اینجا دو اشکال اساسی پیش آمده است: بخش چپ گرای مخالف جمهوری اسلامی که در انقلاب اسلامی 1357 بخاطر موضع های ضد آمریکایی خمینی و حزب اله همکاری صمیمانه ای با خمینی کرد، و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی توسط حزب اله سرکوب شد و از ایران بیرون انداخته شد، دست به تبلیغات وسیعی بر علیه کمک مالی آمریکا به مخالفان دمکرات جمهوری اسلامی زده است. همچنین از آنجا که چپگرایان دشمن آمریکا میدانند که این کمک های مالی شامل حال آنها نمیشود و اگر هم بشود مخفیانه خواهد بود به جمع کردن امضا و تبلیغات با محتوای سنتی و بدنیته نسبت به آمریکا ادامه دادند. از طرف دیگر مخالفان دمکرات جمهوری اسلامی بنابر یک سنت سیاسی پذیرفته شده، کمک مالی آمریکا را بطور مخفیانه پذیرفته اند و نه تنها از این کمک های مالی از آمریکا و مالیات دهندگان آمریکایی، که در میان آنها نزدیک به یک میلیون ایرانیان فراری از انقلاب اسلامی 1357 است، تشکر نکردند بلکه شهادت این را هم ندارند که از این کمک آمریکا برای پیشبرد دموکراسی در ایران دفاع کنند.

رادیو صدای آمریکا که طبیعتاً باید پر از طرفداران آشکار آمریکا باشد نه از درستی کمک مالی 70 میلیون دلاری آمریکا برای پیشبرد دموکراسی در ایران چیزی گفته و یا نوشته و نه در سپاسگزاری از مالیات دهنده آمریکایی ذکری کرده است. اصولاً" رادیو آمریکا تا آنجا که به توضیح و توجیه سیاست آمریکا مربوط است سکوت محض اختیار میکند. همچنین کار خبری رادیو آمریکا چندان فرقی با سایر رادیوها ندارد و همانقدر هوای ضد آمریکایی دارد که سایر رادیو های خارجی فارسی زبان دارند باضافه چاپ عکس های زشت از منشی امور خارجه و دفاع که مشابه آن را میتوان در روزنامه های جمهوری اسلامی دید. در رادیو آمریکا خبری از تفسیر هایی که نشان دهد سیاست آمریکا در جهت منافع مردم ایران است وجود ندارد.

اما همین رادیو از جهت پخش موسیقی و حرافی در باره هنر پیشه ها خیلی فعال و نوگرا است، در صورتیکه باید توجه کرد متجدد اجتماعی بودن بهیچوجه دلیل متجدد سیاسی بودن نیست و این را انقلاب 57 به ما ثابت کرده

است. بنابراین رادیوی صدای آمریکا به همان سرنوشتی دچار شده است که بی بی سی لندن سالها پیش دچار شده بوده است، چنانچه موضع های طرفدارانه بی بی سی را از حزب اله در انقلاب 57 فراموش نکرده باشیم و بیاد بیاوریم. کارکنان ایرانی رادیو آمریکا و سایت اینترنتی آن از همان گروه های سیاسی چپ، حزب الهی، مخالف غرب و آمریکا تشکیل شده اند که پیش از این کادرهای بی بی سی را پر کرده بودند و از آن پیشتر رادیو و تلویزیون ملی ایران را تا انقلاب 57 اداره میکردند. این گروه از ژورنالیست های ایرانی درک و تعهدی نسبت به دموکراسی های غربی ندارند و آن را هرگز پنهان نکرده اند. آنها مانند سایر تحصیل کرده های ایران اسیر روانی تعقل سیاسی ضد غربی هستند که بیش از یک قرن است ایران را کله مللق زنان بسوی آینده ای بحرانی پیش میبرد.

اختلافات آمریکا و رژیم اسلامی بطور خلاصه شامل موردهای زیر است. آمریکا با رژیم دیکتاتوری اسلامی در ایران مخالف است و به مخالفان دموکرات رژیم اسلامی کمک میکند. این سیاست آمریکا بعزت دشمنی متقابل و آشکار جمهوری اسلامی با منافع جهانی آمریکا بخصوص در خاورمیانه شدت بیشتری از سایر رژیم های دیکتاتوری که با آمریکا مستقیماً سر جنگ ندارند میباشد. مسابقه جمهوری اسلامی برای اتمی شدن و اروپا و آمریکا برای جلوگیری از آن، جنگ آمریکا و حزب اله را در ایران اجتناب ناپذیر کرده است. ما ایرانیان باید توجه داشته باشیم همانطور که حزب اله آلوده به خون مردم ایران در انقلاب 57 به دنیا آمد و در دوران زندگی خود همواره بی پروا خون مردم ایران را برای ادامه زندگی خود مصرف کرده است و مقدار خون لازم برای بقای رژیم اسلامی برای مردم ایران هر روز بیشتر میشود. اتمی شدن حزب اله ایران را در مقابل خطری بارها بزرگتر از خطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی با حمله نظامی آمریکا قرار خواهد داد. برای مقایسه میتوان تصور کرد که سرکوبی حزب اله و متحدین بی مسئولیت آن میتوانست جان صدها هزار ایرانی را در جنگ ایران و عراق نجات دهد و میلیون ها ایرانی بخاطر حکومت جمهوری اسلامی ایران را ترک نمیکردند. ویرانی نابودی جمهوری اسلامی بعد از اتمی شدن آن مقیاس وسیعتری خواهد داشت تا پیش از اتمی شدنش. ویرانی نسبی بهتر از ویرانی مطلق است.

در وهله اول بنظر میرسد رادیو فردا میباید مرکزی برای تجمع روزنامه نگارانی باشد که از سیاست های دولت آمریکا پشتیبانی میکنند اما واقعیت خلاف این است. درست است که دموکراتهای زیادی با سیاست دولت بوش مخالف هستند و اکثریت وسایل ارتباط جمعی آمریکا مخالف سیاستهای خاورمیانه ای بوش هستند، اما جای این مخالفت ها در رادیو فردا نیست در حالیکه این مخالفت ها در رادیو فردا دیده میشود. در بحران اتمی که حزب اله ایجاد کرده است گزارشگران و مفسران سیاسی ایرانی در نهایت موضعی میگیرند که یا به بجاماندن حزب اله منتهی میشود و یا نابودی آن. نویسندگان زیادی هستند که مسئول درگیری با غرب و امریکا راجمهوری اسلامی میدانند مانند: اکبر گنجی که معتقد است چنانچه ایران اشغال نظامی شود مسئول آن رژیم اسلامی است نه موضعی که مخالفان جمهوری اسلامی میگیرند. همچنین در همین مقاله که در "نیویورک سان" چاپ شده است و ایران و جهان سایت اینترنتی شاهین فاطمی دوباره آن را چاپ کرده است، رضا دلبری از دفتر تحکیم وحدت اعلان میکند مشکل ایران در حال حاضر داشتن تکنولوژی هسته ای نیست بلکه دموکراسی و پذیرفته شدن ایران در دنیا به نام یک کشور قانونمند و قابل اعتماد است. اسماعیل نوری علا در مقاله ای که در سایت گویا چاپ شده است میگوید که تکنولوژی هسته ای مطعلق به حزب اله است نه ایران و بنابراین من هیچ علاقه ای ندارم که جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته ای مصلح شود. نویسندگان دیگری مانند نیما راشدیان به صراحت از سیاست آمریکا دفاع میکنند و بهیچ وجه حاضر نیستند به هر عنوان به بجاماندن جمهوری اسلامی کمک کنند.

بدون شک دموکرات های زیادی در ایران وخارج وجود دارند که بجاماندن جمهوری اسلامی را برای ایران بیشتر خطرناک میدانند تا حمله نظامی آمریکا به منظور سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی را. همانطور که رژیم بعثی صدام حسین را در عراق آمریکا با تحمل خرج زیاد مالی و جانی سرنگون کرد. مخالفان سرنگونی جمهوری اسلامی توسط آمریکا میگویند تجربه عراق نشان میدهد که ایران با جمهوری اسلامی در موقعیت بهتری خواهد بود تا اغتشاش بعد از سرنگونی رژیم اسلامی. این گروه از طرفداران نرم جمهوری اسلامی و ضد آمریکایی باید توجه داشته باشند که یکی از علت های ادامه جنگ داخلی در عراق دخالت های جمهوری اسلامی توسط عوامل شیعه سیاسی آن است. در صورتیکه در افغانستان که عوامل شیعه جمهوری اسلامی قدرت

قابل ملاحظه ای ندارند دولت دمکرات افغانستان برای جبران بیست سال جنگ داخلی کمونیستی اسلامی موفقیت های زیادی بدست آورده است.

بنظر میرسد چپ ها و مذهبی های ایرانی دشمن دمکراسی و غرب و تجانس سیاسی مردم ایران همانطور که بی سی لندن را مال خود کردند و سالها است پول مردم انگلستان را برای دشمنی با دمکراسی خرج میکنند رادیو فردا را هم مال خود کرده اند و اجازه نمی دهند صدای دمکرات های ایرانی از آن پخش شود. شاید بخاطر همین باشد که ما میتوانیم شاهد جان کندن اکبر گنجی بخاطر اعتصاب غذا در رادیو فردا باشیم اما نمیتوانیم از مواضع ضد جمهوری اسلامی گنجی در رابطه با اتمی شدن آن در رادیو فردا مطلع شویم.

تا زمانی که دمکرات های ایران مرکز گردهمایی روشنفکرانه خود را پیدا و یا ایجاد نکنند، چپ ها و مذهبی ها در شکل دادن به افکار عمومی تحصیل کرده های ایران ادامه خواهند داد و مردم ایران را به چاله و چاه های سیاسی دیگری خواهند انداخت که خطرناکترین آن تبلیغ بر علیه نابودی جمهوری اسلامی قبل از اتمی شدن آن است.

کامبیز باسطوت

5/18/2006